

عنوان مقاله:

مروری بر کاربرد مفهوم نامتناهی بالفعل در برهان جهان شناختی کلامی

محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه و کلام، دوره 51، شماره 1 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

فرح رامین - دانشگاه قم

فایزه حقی - دانشگاه قم

خلاصه مقاله:

یکی از موضوعاتی که ریاضیات و فلسفه را به یکدیگر پیوند داده است، مسئله «بعد نامتناهی» است. ویلیام کریگ، فیلسوف و متکلم آمریکایی سعی کرده است، با توسل به ریاضیات، عدم تحقق حوادث نامتناهی در عالم و حدوث زمانی جهان را اثبات نماید. وی نام برهان خود را برهان جهان شناختی کلامی می‌گذارد و در تقریر آن از برهان حدوث غزالی بهره می‌جوید. هدف این مقاله، بررسی یکی از دلایل فلسفی کریگ در اثبات مقدمه دوم این برهان در پی پاسخ‌گویی به این سوال است: آیا این دلیل فلسفی-ریاضی کارایی لازم را در جهت اثبات حدوث زمانی عالم دارد؟ تحقیق حاضر با رویکردی توصیفی-انتقادی، دلیل اول از مقدمه دوم برهان کریگ را که دربردارنده مباحث نامتناهی بالفعل و نظریه مجموعه‌ها است، تبیین و سپس با تکیه بر آرای متفکران اسلامی ارزیابی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اثبات حدوث زمانی عالم از طریق عدم امکان سیر قهقرایی رویدادهای جهان، شرایط تسلسل محال را ندارد و نمی‌توان نامتناهی بودن آن را انکار کرد و از آن جا که عدد را نمی‌توان به مجموعه نامتناهی نسبت داد؛ سخن از تعداد اعضای یک مجموعه نامتناهی، معنایی ندارد و از فرض وجود بعد نامتناهی حتی نامتناهی بالفعل تناقضی حاصل نمی‌آید و به همین دلیل، اغلب فلاسفه اسلامی، حدوث زمانی عالم را نپذیرفته‌اند.

کلمات کلیدی:

برهان جهان شناختی کلامی، ویلیام کریگ، نامتناهی، حدوث

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1354737>

